

نتیجه مجادله ترامپ و زلنسکی **سه سناریو**

جنگ اوکراین که در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ (۵ اسفند ۱۴۰۲) آغاز شد، همچنان یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های ژئوپلیتیکی قرن حاضر است. این درگیری نه‌تنها اوکراین را به میدان نبردی خونین تبدیل کرده، بلکه اتحاد درونی جهان غرب را نیز در معرض آزمونی سخت قرار داده است. آمریکا و کشورهای اروپایی، به ویژه از طریق ناتو و اتحادیه اروپا، از همان ابتدای جنگ با ارسال کمک‌هایی هنگفت تحت عنوان نظامی، مالی و بشردوستانه از کی‌یف حمایت کردند. تا پایان سال ۲۰۲۴، آمریکا بیش از ۵۶ میلیارد دلار کمک نظامی به اوکراین اختصاص داده بود، در حالی که اتحادیه اروپا و اعضای آن حدود ۹۰ میلیارد یورو فراهم کرده بودند البته «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا در دیدار اخیرش با همتای فرانسوی در کاخ سفید مدعی شد «ما ۳۰۰ میلیارد دلار در جنگ اوکراین خرج کرده‌ایم در حالی که اروپا ۱۰۰ میلیارد هزینه کرده است.» این همکاری میان آتلانتیکی یکپارچه نمانده است. تفاوت در اولویت و دیدگاه‌های استراتژیک بین آمریکا و اروپا با رها به تنش‌هایی منجر شده که در دوره‌های مختلف خود را نشان داده است. با روی کار آمدن ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا در ژانویه ۲۰۲۵، این اختلافات وارد مرحله جدیدی شد. اوج این تنش‌ها در ۲۸ فوریه ۲۰۲۵ (۱۰ اسفند ۱۴۰۳) در کاخ سفید نمایان شد، زمانی که جلسه بین ترامپ، «مارکو رابوینو» و «جی دی ونس» با «ولودیمیر زلنسکی» رئیس جمهور اوکراین که قرار بود به امضای توافق پرس منابع معدنی اوکراین منتهی شود، به مشاجره‌ای علنی‌وی سابقه تبدیل شد.

◀ **اختلاف اصلی**

با بازگشت دونالد ترامپ به قدرت در ژانویه ۲۰۲۵، رویکرد آمریکا به جنگ اوکراین به شکلی چشمگیر تغییر و این تغییرات، اختلافات با اروپا را تشدید کرده است. این اختلافات در سه محور اصلی اهداف استراتژیک، حمایت نظامی و نوع آن و سیاست تحریم‌ها و دیپلماسی قابل بررسی‌اند. دولت جو بایدن جنگ اوکراین را بخشی از یک رقابت جهانی با روسیه می‌دید و هدفش تضعیف بلندمدت مسکو بود. دونالد ترامپ اما رویکردی عمل‌گرایانه‌تر اتخاذ کرده و به دنبال پایان سریع جنگ از طریق مذاکره با روسیه است، حتی اگر این به معنای امتیازدهی به پوتین باشد. این موضع در جلسه ۲۸ فوریه به‌وضوح دیده شد، زمانی که ترامپ به زلنسکی گفت: «با همین الان معامله می‌کنی یا ما کنار می‌کشیم.» او همچنین زلنسکی را متهم کرد که با ادامه جنگ، جهان را به سمت جنگ جهانی سوم می‌برد. اماتوئل مکرون رئیس جمهور فرانسه پس از این نشست اعلام کرد که هرگونه نرشم در برابر روسیه، امنیت اروپا را به خطر می‌اندازد. این توافق، دیدگاه نشان‌دهنده شکاف عمیق بین اولویت‌های آمریکا و اروپا است. در دوره بایدن، آمریکا پیشگام ارسال تسلیحات پیشرفته بود و اروپا را به افزایش حمایت نظامی تشویق می‌کرد. اما دولت ترامپ تمایل کمتری به ادامه این روند دارد، جی‌دی ونس در این جلسه به زلنسکی گفت که اوکراین نیروی انسانی کافی برای استفاده از تسلیحات بیشتر را ندارد و باید به دیپلماسی روی بیاورد. این اظهارات با واکنش تند زلنسکی مواجه شد و از ونس خواست به اوکراین سفر کند و واقعیت را ببیند. در مقابل، اروپا پس از این رویداد تعهد خود را به افزایش کمک‌های نظامی تقویت کرد. «کایا کالاس» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اعلام کرد که بودجه اضافی برای ارسال تسلیحات به کی‌یف اختصاص خواهد یافت. این تضاد نشان می‌دهد که اروپا رویکردی تهاجمی‌تری نسبت به موضع محافظه‌کارانه‌تر دولت جدید آمریکا دارد. ترامپ در هفته‌های اخیر پیشنهادهای تحریم‌ها را به عنوان اهرمی در مذاکرات با پوتین مطرح کرده است، ایده‌ای که با مخالفت شدید اروپا روبه‌رو شده است. رئیس جمهور فرانسه و دیگر رهبران اروپایی تأکید کرده‌اند که حفظ تحریم‌ها برای فشار بر روسیه حیاتی است، به ویژه پس از ادعای ورود نیروهای کره شمالی به جبهه‌های جنگ در کنار روسیه که در فوریه ۲۰۲۵ گزارش شد.

◀ **سناریوهای احتمالی**

با توجه به تحولات اخیر، سه سناریو برای آینده اختلافات اروپا و آمریکا در رابطه با جنگ اوکراین قابل تصور است؛ سناریوی اول، تداوم وضعیت کنونی همراه با تشدید تنش‌های موجود؛ رویکرد تهاجمی‌تر دولت ترامپ ممکن است اروپا را به اتخاذ سیاست‌های مستقل‌تر وادارد، در حالی که اوکراین در این میان گرفتار می‌ماند. این سناریو می‌تواند به نفع روسیه باشد که از شکاف غرب سود می‌برد. سناریوی دوم، کاهش حمایت آمریکا از اوکراین؛ اظهارات تند ترامپ و ونس در جلسه ۲۸ فوریه نشان می‌دهد که واشنگتن ممکن است حمایت خود از اوکراین را مشروط یا متوقف کند. سناریوی سوم، همکاری مجدد غرب؛ این سناریو تنها در صورت تشدید تهدید روسیه علیه دیگر اعضای ناتو رخ خواهد داد. البته در حال حاضر نشانه‌های انذکی در تأیید این سناریو وجود دارد. در نهایت، اختلافات آمریکا و اروپا در مورد جنگ اوکراین، که در جلسه ۲۸ فوریه ۲۰۲۵ به اوج رسید، ریشه در تفاوت‌های استراتژیک و اولویت‌های دو طرف دارد.

دوشنبه
۱۳ • ۱۲ • ۱۴۰۳

سال هشتم
شماره ۲۰۶۰

۲۰۲۵
۳۰۲۵ / ۱۴۴۶ / ۳۰۲۵

مهدی مطهرنیادار گفت وگو با «آرمان ملی»:

فقر همه طبقات اجتماعی را در بر گرفته است

دولت‌های احمدی نژاد ایران را فقیر کرد

مرثیه فقر در جوامع خاورمیانه

نیاز به بازنگری در تعاریف فقر داریم



ثروتمندان بدون در نظر گرفتن طبقات اجتماعی بر دارایی‌های خود اضافه می‌کنند. برخی جامعه‌شناس‌ها در سال‌های اخیر از این شکاف اجتماعی به عنوان گسل نام می‌برند. در حالی تورم و گرانی همه طبقات جامعه را تحت تأثیر قرار داده، دولت‌ها با ارائه کمک هزینه‌های اندک قصد دارند تا کمی از سطح فقر بکاهند ولی دریغ که سرعت گسترش فقر در کشور از سرعت مسئولاتی که با شعارهای ضد فقر روی کار می‌آیند بیشتر است. در این مورد با یکی از جامعه‌شناسان سیاسی مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم. مهدی مطهرنیا، آینده‌پژوه سیاسی –اجتماعی و رئیس اندیشکده سیمرخ در این مورد معتقد است که تعاریف مربوط به فقر باید در جوامعی مانند خاورمیانه تغییر کند چراکه اگر همسایه یک‌کشوری فقیر باشد، آسیب‌های آن به کشورهای همجوار هم کشیده خواهد شد. مانند وضعیت ایران و افغانستان. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

آرمان ملی – سیبوش پورعلی: «فقر یکی از بحران‌هایی است که قدرت نفوذش را نمی‌توان در کل جامعه و حتی کشورهای هم جوار کتمان کرد.

جامعه‌شناسان بر این باورند که طبقات بالایی جامعه که کیلومترها با طبقات پایینی فاصله جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی دارند نه تنها از تبعات این آسیب در امان نیستند بلکه به صورت مستقیم با آن دست به گریبان هستند. جرایم خشن، سرقت‌های سریالی، خفت‌گیری، اعتیاد، قمار و… از جمله ابتدایی‌ترین آسیب‌هایی است که به صورت مستقیم از اقشار محروم به اقشار ثروتمند می‌رسد. بسیاری از کشورها توانسته‌اند با دریافت مالیات از اقشار بالایی جامعه تا حدودی شکاف اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهند ولی در برخی از کشورها از جمله کشورهای حوزه خاورمیانه نه تنها اقشار پایینی جامعه شاهد هیچ تغییری در روند زندگی نیستند بلکه شاهد رشد روزافزون شکاف بین طبقات اجتماعی هستیم و

◀ آنچه فقر می‌نامیم در کشورهای درحال توسعه چه روندی را در پیش دارد و چه نگرانی‌هایی در این مورد وجود دارد؟

نوع نگرش به مقوله فقر در جوامع موجود و به خصوص در جغرافیای خاورمیانه، دارای نوعی تعارض در معنا و تعریف است. عده‌ای حتی فقر را یک امر مقدس می‌دانند و برای آن یک تعریف مثبتی قائل شده‌اند و فقر و فقیر بودن را نشانه غنای زندگی و گذار در رنجی که سازنده است منصور می‌شوند. لذا دریچه ذهنی به مسائل فقر در منطقه از نوسان برخوردار است. گروه دیگری که از توسعه سخن می‌گویند و رویای شکوفایی در سر دارند اساساً گریز از فقر و ایجاد یک جامعه ثروتمند را به هر روی مقدمه‌ای برای حصول به شرایط اجتماعی و سیاسی توسعه یافته قلمداد می‌کنند و به همین دلیل توسعه اقتصادی را مهم‌تر از توسعه سیاسی می‌دانند و به آن ارجحیت می‌دهند. از این منظر اگر بنگریم، باید بگوییم که در مرحله نخست

در منطقه دچار بحران واژگانی در باب مفهوم فقر و بحران هستی‌شناسانه هستیم. باید اشاره کنیم که دلیل فقر و فقرزدگی در این جوامع برای جستم، با توجه به چتر ذهنی موجود در باب فقر که به آن اشاره کردیم در مرحله دوم نوع نگاه به فقر به عنوان زیربنای تجهیز نیروی انسانی مطرح است.

◀ باتوجه به این ورودی به چه آسیب‌هایی می‌توانیم اشاره کنیم؟

از جمله این آسیب‌ها می‌توانیم به جامعه فقیر، جامعه کم‌اراده کم‌همت، مایوس‌انامید و بی‌نشاط اشاره کنیم. جامعه‌ای که در آن فقر وجود دارد غم در آن جای می‌گیرد. افسردگی و نگرانی نسبت به آینده، درریند فشارهای حال، رنج سهمگین در وضعیت کنونی ماندن و گذشته‌ای بی‌معنا و تهی از موفقیت و… نیروی انسانی این جامعه را فشل می‌کند. بسیاری از مواقع نظام‌های فکری که نمی‌توانند پاسخگوی کارآمدی برای بهبود وضعیت جامعه باشند در این مسیر جامی‌مانند. این جامعه هرچه می‌گذرد دچار عصبان‌های ناشی از فقر می‌شود و این عصبان‌ها، جامعه را دچار تاخر می‌کند و در صورت عدم برطرف کردن این تاخر، جامعه دچار عدم تعادل خواهد شد. توجه داشته باشید که این عدم تعادل‌ها می‌تواند به عصبان‌های جمعی منجرشود. به‌همین دلیل ثبات اجتماعی و سیاسی را با اختلال روبه‌رو می‌کند لذا تمام تئوری‌های انقلاب از ارسطو و حتی پیشا‌ارسطویی تاکنون مسئله احساس نابرابری اجتماعی که زمینه آن را عدم تعادل ثروت و تقسیم عادلانه ارزش‌ها در جامعه به‌وجود می‌آورد، به عنوان علت اصلی هر اعتراض گسترده‌ای محسوب می‌شود. باید بگوییم فقر تنها تبعات مادی ندارد

◀ سرعت گسترش فقر در جوامع به چه عواملی بستگی دارد و چه آسیبی به بنیان جوامع خواهد زد؟
بستگی به سطح، دامنه، شدت فقر دارد. عملکردی متفاوت از فقر و استانداردها و ماهیت‌شناسانه در کشورها گوناگون وجود دارد. کشورهایی که نمی‌توانند کارآمدی در جواب نیروی انسانی کشور خود فراهم کنند، باید گفت که مسئله اصلی در این زمینه آن است که اگر یک جامعه نتواند به سطحی از شکوفایی معنایی در پاسخ به نیازهای فیزیکی و اولیه خود دست یابد، می‌تواند دچار بحران‌های درونی و گسترش آن به لایه‌های دیگر حیاتی اقشار متفاوت جامعه شود. اگر روانشناسی رشد را در نظر بگیریم می‌تواند پاسخگوی صاعقه‌های فیزیکی و نیازهای جسمی در سطح اول باشد و اگر این بنیاد به درستی شکل نگیرد، جامعه در درون و در ریشه خودش بسیار نامطمئن رشد خواهد کرد. در این زمینه باید مراقبت‌های جدی انجام شود.

◀ کمی از کشورهای خاورمیانه و توسعه نیافته دور شویم، فقر در کشورهای توسعه یافته چگونه است؟
تعریف فقر در کشورهای توسعه یافته و اروپایی با کشورهای مثلا خاورمیانه متفاوت است. بیکاری، اشتغال، چالش‌های اجتماعی حوالی مفهوم فقر شکل می‌گیرند. اکنون اگر درصد بیکاری در کشورهای گوناگون را مورد مطالعه قرار دهیم، می‌تواند معیارهایی که بعد از دولت نهم و دهم در ایران شکل گرفت را با آن مقایسه کنیم. در

آرمان ملی

armanmeli.ir

سیاست

دوره پنجم

یک اندیشکده بررسی کرد

سلاحی به نام سوئیت

اندیشکده «بنیاد تحقیقات ناظر» در گزارشی درباره بحث پیرامون سیاست دلارزدایی که در پاسخ به استفاده ایالات متحده از دلار به عنوان مطرح شده می‌نویسد: کشورهای بریکس به دنبال کاهش وابستگی بیش از حد به دلار و استفاده از دلار به عنوان ارز مشترک هستند. موضوع دلارزدایی تقریباً یک دهه است که در مرکز بحث‌ها قرار دارد. در سال ۲۰۱۵، باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، اولین کسی بود که در مورد آینده دلار هشدار داد. او گفته بود که اگر ایالات متحده از برجام خارج شود، تأثیر نامطلوبی بر دلار خواهد داشت. او همچنین پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در سخنرانی خود هشدار داد که اگر از تحریم‌ها بیش از حد استفاده شود، خطر پراکنده شدن کشورهایی مانند چین را افزایش می‌دهد. با گذشت زمان، هشدار اوباما درست از آب درآمد، زیرا استفاده از دلار به عنوان سلاح توسط ایالات متحده برای رفع نیازهای خود، ناامیدی و ناراحتی را در کشورهای مختلف عمیق‌تر کرد. زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۸ در دوره اول ریاست جمهوری خود از برجام خارج شد، واکنش شدیدی در اروپا به وجود آمد و حرکتی برای کاهش سلطه دلار و ترویج استفاده از یورو به جای آن آغاز شد. نه تنها این، در سال ۲۰۲۲، زمانی که بانک‌های روسی در جریان اقدامات برداشته شده در اعتراض به جنگ روسیه و اوکراین از سیستم سوئیتف جامعه ارتباطات مالی بین بانکی جهانی، حذف شدند، فضای ناراضیانی در سطح جهانی به وجود آمد. البته، سیستم سوئیتف به طور کلی به عنوان سیستمی برای ساده‌سازی تراکنش‌ها در سطح جهانی در نظر گرفته می‌شد. اما پس از آن از سوئیتف به عنوان سلاحی برای آسیب رساندن به اقتصاد برخی کشورها مانند روسیه استفاده شد. اخیراً، در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ، استفاده بیش از حد ایالات متحده از سلاح تحریم خود زمانی آشکار شد که دولت ترامپ محدودیت‌های زیادی را علیه کلمبیا اعمال کرد. در حقیقت، کلمبیا از فرود هواپیما حامل مهاجران کلمبیایی از ایالات متحده در خاک خود خودداری کرده بود که در پاسخ، دولت ترامپ انواع محدودیت‌ها را بر کلمبیا اعمال کرد. شایان ذکر است که کلمبیا نیز به دنبال به عضویت در بریکس است. در چند وقت اخیر بحث‌های زیادی در مورد دلارزدایی و کاهش ریسک مالی وجود داشته است. اگر کشوری در مورد امکان معامله با ارز دیگری به جای دلار صحبت کند، یا با سوءظن به آن نگاه می‌شود یا به عنوان راهی برای انجام کاری متفاوت و خوب تلقی می‌شود. بستگی به این دارد که در کدام طرف ایستاده باشد، یعنی در طرف کسانی که از دلار حمایت می‌کنند، یا در طرف کسانی که با دلار مخالف هستند. استفاده از ارز چین افزایش یافته و سهم آن در تجارت جهانی نیز با سرعتی بی‌سابقه در حال افزایش است اما بعید است که در آینده نزدیک به دلار برسد. احتمالاً یکی از دلایل اصلی این امر ممکن است این باشد که بسیاری از کشورها در حال حاضر با اثرات منفی وابستگی بیش از حد به دلار برای تجارت احاطه شده‌اند و در چنین شرایطی نمی‌خواهند از چاله خارج شده و به درون چاه سقوط کنند.

◀ **بریکس**

دلار تحت سلطه تجارت جهانی و اقتصاد بین‌المللی است، بنابراین هر زمان که درباره گزینه دلار شروع به بحث می‌شود، واکنش‌های تندی نسبت به آن وجود دارد و اغلب سیاستمداران نیز وارد عمل می‌شوند و شروع به اظهار نظر می‌کنند. به عنوان مثال، سخنرانی اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده را در نظر بگیرید. ترامپ به صراحت گفته است که اگر کشورهای عضو بریکس تجارت به ازری غیر از دلار را در نظر بگیرند یا چنین تلاشی را انجام دهند، باید با افزایش ۱۰۰ درصدی تعرفه‌های ایالات متحده روبه‌رو شوند و باید رویای فروش کالا‌های خود به کشوری مانند آمریکا را از یاد ببرند. به دلیل تسلط دلار در بازارهای جهانی، هزینه استقرار و پرداخت مالیات برای دولت آمریکا به شدت کاهش می‌یابد. با این حال، اگر کشورها به شدت به دلار وابسته باشند، یک عامل جانی وجود دارد که سیاست پولی ایالات متحده می‌تواند تأثیر منفی بر آنها داشته باشد. گفته می‌شود که بین کشورهای بریکس برای اتخاذ گزینه‌هایی غیر از معرفی ارز مشترک برای کاهش تسلط دلار در معاملات تجاری اتفاق نظر وجود دارد. «لولاداسیلوا»، رئیس‌جمهور برزیل می‌گوید که در دنیای پس از استاندارد طلا، یعنی در سیستم اقتصادی جهانی کنونی که ارزهای کشورها به عدم یکپارچگی مالی هزینه تراکنش‌ها را در سطح جهانی افزایش می‌دهد. اصلاح نقاط ضعف در معاملات مالی بین‌المللی و سیستم‌های پرداخت یا تقویت آنها در حال حاضر در آینده به نفع نظم جهانی است. باراک اوباما در دوران تصدی خود به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده گفته بود که اعتبار سیستم پرداخت بین‌المللی سوئیتف از بین رفته است و بازگرداندن اعتماد به آن بسیار دشوار خواهد بود. در ظاهر، بحث‌ها و تلاش‌هایی که در سطح جهانی در مورد دلارزدایی در جریان است، فقط به این صورت نیست، بلکه به عنوان یک واکنش برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از سلطه دلار است.

طبقات متوسط رو به بالا به دلیل

فرصت‌های کاذب، خود را فربه می‌بیند

ولی در نهایت باتوجه به تورم موجود

در حال سقوط به سمت طبقه متوسط

پایین و طبقه متوسط پایین در حال

سقوط به طبقات پایین‌تر است